



اولیای پای کار

به گمان خانم مدیر، پای کار ترین اولیای دنیا، مادران دانش آموزان او هستند. خانم مدیر اگر به آنها ندا بدهد مسئولی برای باز دید به مدرسه می آید، همه مشغله‌ها و گرفتاری‌ها ایشان را کنار می گذارند و با تهور و دیگچه به مدرسه می آیند تا بساط پذیرایی از مهمان خانم مدیر را به راه کنند. وقتی هم مهمان از راه می رسد در کنار سفره و پرویمانی که برایش می چینند، با تدارک بازی های یک قل دول، چوب بازی و الکترونیک حسابی مهمان نوازی و آبروداری می کنند.

خبرین برای بچه ها یک توپ فوتبال، چند طناب و جعبه شطرنج و یک صفحه بازی منج تهیه کرده اند که در زنگ ورزش دانش آموزان زیر و زنگ بیشتر از بقیه می توانند با آنها بازی کنند.

۴۰ دانش آموز همنام در یک کلاس

ماجراهای متفاوت مدرسه فرهنگیان حاجی آباد که یک مدرسه عشایری است

و معلم هایشان غیرتی ایلیاتی دارند و خوب می دانند با محبت های کودکانه خود چطور برایشان دلبری کنند تا به عشق آنها مشکلات خدمت در مدرسه عشایری حاجی آباد سفلی را تاب بیاورند! ۵۳ دانش آموز دختر و پسر خانواده های عشایری در فصل قشلاق ایل در کلاس های چند پایه مدرسه حاجی آباد در حاشیه ملارد در می خوانند.

فرزندانشان یک خانواده در همه پایه ها یا چند پایه مدرسه درس بخوانند. خانم مدیر و آقا و خانم معلم در این جمع فامیلی و عشیره ای غریبه نیستند و اگر رنگ تفریح داداش بزرگه کلاس ششمی یک خانواده خواهد برای داداش کوچک کلاس اولی اش شاخ و شانه بکشند، به یک تاب ابروی خانم مدیر از صرافت قفلد بازی می افتد تا خانم مدیر محبوبشان را دلخور نکند. بچه های مدرسه روی خانم مدیر

از ۵۳ دانش آموز مدرسه، نام خانوادگی ۴۰ تنفر از آنها صحنایی است و اگر خانم مدیر یکی از بچه ها را به فامیلی اش صمصدا بزند، ۴۰ نفر با هم جوابش را می دهند! همه آنها هم با یکدیگر خوبشانند و هم عشیره هاند و شاید

زندگی رابعه تیموری روزنامه نگار

تماشای گزارش مهربانی و معلمی



معمومه علی محمدی هیچ وقت فکر نمی کرد نخستین روز خدمتش در آموزش و پرورش را با تدریس در یک کلاس دوپایه شروع کند. اما سال گذشته که به عنوان معلم به مدرسه حاجی آباد یا گذاشت، معلم بچه های بازنگوش پایه های دانش آموزان دو پایه رسیدگی می کرد. شاگردان علی محمدی بیشتر از دانش آموزان پایه های پایین تر در خانه مسئولیت دارند و او می دانند اگر دانش آموز موقع تدریس ریاضی و فارسی به خوابی عمیق فروزفته یا خستگی ساعتها چوپانی سحرگامی به کلاس آمده یا در تدارک کوچ بیلاقی خانواده بوده است. بسیاری از دانش آموزان سایر پایه ها در موقع کوچ بیلاقی ایل، همراه پدربزرگها و مادر بزرگها بیستان در روستا می ماندند تا از درس و مشق عقب نمانند. ولی در ایل و خانواده هم روی کمک شاگردان علی محمدی حساب می کنند و بسیاری از آنها در فصل بیلابه به مدرسه نمی آیند. گاهی شیطنت بچه های خانم معلم را دلخور می کند. اما شاگردانش بلندند یا پرگزار یا جشن شیرین کاری دیگری دوباره دانش را به دست آوردند.

بچه های دشت

هر قدر یادگیری علوم و فارسی برای شاگردان بازنگوش نورمحمدی شاق و کسل کننده است، به درس ریاضیات علاقه دارند و می خواهند از حساب کتاب دنیا سر دور آوند. حتی محمدحسین بر شر و شور که هیچ وقت نمی تواند روی نیمیکت آرام بگیرد، زنگ ریاضی سسرتا پا گوش می شود و هیچ کدام از حرف های خانم معلم را از قلم نمی اندازد. خبرین برای بچه های یک توپ فوتبال، چند طناب و جعبه شطرنج و یک صفحه بازی منج تهیه کرده اند که در زنگ ورزش دانش آموزان زیر و زنگ بیشتر از بقیه می توانند با آنها بازی کنند. خوراک ارگانیک سفره عشایری و هوای پاک روستای حاجی آباد، به بچه های انرژی و شور و حالی بخشیده که دهها زنگ ورزش هم برای تخلیه انرژی آنها اکیافت نمی کند.

جنتلمن مثل آقای مددی

شاید اگر آقای مددی معلم ریاضی دوران تحصیل محمدجواد و کیلی نبوده، او برای آموزگاری در یک مدرسه عشایری دورافتاده انگیزه پیدا نمی کرد. وقتی و کیلی دانش آموز بود، آقای مددی از شهر به روستای آنها آمده بود و تلاش می کرد دانش آموزانی مبادی آداب و اهل مطالعه تربیت کند. و کیلی هم که نخستین سال های دوران آموزگاری اش را در روستای حاجی آباد می گذراند با پای جاب آقای مددی گذاشته و باعث اشتیاق بچه های مدرسه و تحصیل شده است. و کیلی می گوید: «کودکان این روستا بسیار باهوش و با استعدادند و اگر امکانات مناسبی داشته باشند، آینده درخشانی خواهند داشت.»



غیرت ایلیاتی

خانم مدیر هر روز پاکیزه و اتو کشیده از خانه بیرون می زند، ولی تا به مدرسه می رسد باید چادر به کمر ببندد و پیش از رسیدن دانش آموزان حیاط و کلاس ها را رفت و روب کند. البته غیرت ایلیاتی بچه ها اجازه نمی دهد خانم مدیر را دست تنها بگذارند و هر قدر دودیدن دنبال گله آنها را کوفته کرده باشند، باز هم در پاکیزه کردن مدرسه و روبه راه کردن بساط جای دم صبح او را تنها نمی گذارند. به خصوص وقتی قصد دارد جاهایی مانند انباری ته حیاط از نظافت کند، تا خاطر جمع نشوند که وسط غلف های هرز و خاک و خل در گاه انباری مار و عقربی لانه نکرده، نمی گذارند خانم مدیر وارد آن شود. البته اگر خانم مدیر خواهد کاری را به بچه ها بسپارد باید حواشش باشد که همه دانش آموزان را از یک ایل روستای حاجی آباد انتخاب نکند و در همه امور مدرسه بچه های ایل های صحنایی، رفیع، کلکویی و اختر به یک اندازه سهمم باشند. برای صف بستن و به کلاس فرستادن بچه ها هم از ناظم خبری نیست و فریبا نورمحمدی باید سر صف نقش خانم ناظم را داشته باشد و گاهی به تشر و گاهی به جاتم و چشمم دانش آموزان پشرو و شور مدرسه را با صاف و منظم راهی کلاس ها کند. حالا وقت آموزگاری اوست و خانم مدیر به عنوان معلم پایه های اول و چهارم به کلاس می رود.

مقدمت یک روز کاری

خانم مدیر هر روز صبح قبل از اینکه به دل جاده بزند، باید خاطر جمع شود هیچ کدام از سفارش های مادران دانش آموزان را از قلم نینداخته است. اگر روز قبل دندان درد یا سردرد آمان کسی را بریده باشد باید از داروخانه شهر برایش قرص مسکن بخرد و اگر کسی فرصت نکرده باشد تنور نان پزی را ابتاباند، باید از نانوائی چند بسته نان بگیرد و ببرد. روستای محل سکونت خانم معلم در مسیر خانم مدیر قرار دارد و خانم معلم هر روز در میانه جاده انتظارش را می کشد. وقتی با هم همراه می شوند تا به مدرسه برسند فرصت دارند از تنفس هسوی پاکیزه و تماشای پرندهای عجیب و غریب شخار دار و دم کشیده بومی این مسیر حظ ببرند. هر روز هم حتما در دشت های حاشیه جاده یکی از دانش آموزان مدرسه را در حال چوپانی می بینند و شست شان خبردار می شود که او بعد از جاشت به مدرسه می رسد. خانم مدیر و خانم معلم هر قدر هم سر موقع و به تاخت و تاز خودشان را به مدرسه برسانند، نمی توانند زودتر از دانش آموزانی برسند که سینه سحرگاه شیر گوسفندها را اوشیده اند و با دبه ای شیر، چند تخم بوقلمون و کاسهای سرشیر محلی پشت در به انتظارشان ایستاده اند. آنها این خوراک های تازه رنگارنگ را برای خانم مدیر می آورند.

Advertisement for 'Rafah Kargran' bank's 'Common Investment Sale' (گهی مزایده عمومی فروش سهام). It includes details about the sale of shares, the company 'Rafah Kargran', and financial information like 100% profit and a 23% return rate. It also features a table with 'Rafah Kargran' logo and a 'Common Investment Sale' (گهی مزایده عمومی) headline.

Advertisement for 'Rafah Kargran' bank's 'Common Investment Sale' (گهی مزایده عمومی فروش سهام). It includes details about the sale of shares, the company 'Rafah Kargran', and financial information like 100% profit and a 23% return rate. It also features a table with 'Rafah Kargran' logo and a 'Common Investment Sale' (گهی مزایده عمومی) headline.

Advertisement for 'Rafah Kargran' bank's 'Common Investment Sale' (گهی مزایده عمومی فروش سهام). It includes details about the sale of shares, the company 'Rafah Kargran', and financial information like 100% profit and a 23% return rate. It also features a table with 'Rafah Kargran' logo and a 'Common Investment Sale' (گهی مزایده عمومی) headline.